

به یادبود وارطان گریگوریان، هموطن ارمنی

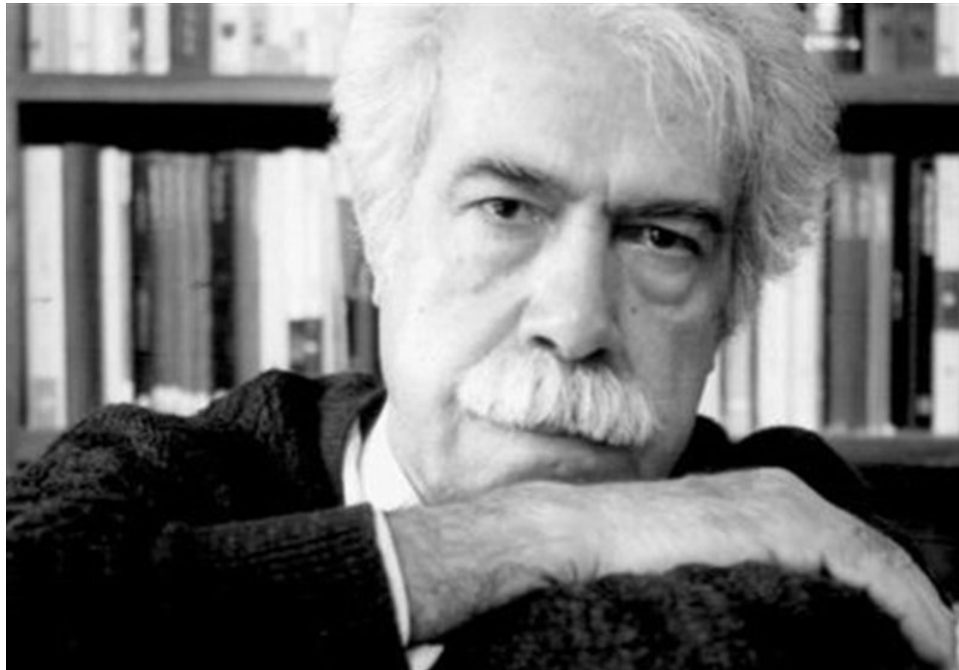
ناجی کتابخانه عمومی نیویورک

وارطان گریگوریان، متخصص ایرانی - ارمنی علوم انسانی، تاریخدان و دارنده مدال "آزادی" ریاست جمهوری آمریکا، در سن ۸۷ سالگی در بیمارستانی در منهتن درگذشت. از او به عنوان "ناجی کتابخانه عمومی نیویورک" یاد می‌شود.

روزنامه نیویورک تایمز او را "مهاجر ارمنی پرشوری" توصیف کرده که قله‌های آکادمیک و بشردوستی را بالا رفت؛ کسی که تقریباً دست تنها در دهه ۱۹۸۰ میلادی، کتابخانه نیویورک را از نابودی نجات داد.

وارطان گریگوریان در مدت ریاستش بر بنیاد کارنگی، کارزارهای بسیاری برای آموزش، مهاجرت، صلح و امنیت جهانی به راه انداخت.

وارطان گریگوریان متولد ۱۹ فروردین ۱۳۱۳ در تبریز بود، اما خود را "شهروند جهان" توصیف می‌کرد. او در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۹ رئیس و مدیر اجرایی کتابخانه عمومی نیویورک بود. با این شغل، او در نیویورک و سراسر آمریکا به چهره‌ای شناخته شده بدل شد.



شاعر! قلمی با خود داشته باش!

به یادبود منصور اوجی

منصور اوجی، شاعر دیار شیراز، بهار امسال در سن ۸۴ سالگی در گذشت. در سنین سالخوردگی به خاطر شعر او در نكوهش حجاب اجباری محاکمه اش کردند و او مجبور شد که بگوید با حجاب مشکلی ندارد! اوجی سروده بود:

از جماعت زنان دلم گرفت

آن جماعت عظیم

روز جشن

صبح عید

یک کبوتر سفید بینشان نبود

اوجی رسالت شاعری را این گونه سرود:

عشق، زیبا می خواهد ما را

مرگ زشت.
 پس به رویا
 به بیداری
 و به کابوس
 شاعر، قلمی با خود داشته باش!
 و به همیشه و همه جا
 که حسرت‌ها بر دلم گذاشته‌اند
 شعرهایی که بر ذهن و زبانم گذشته‌اند
 و بر کاغذ، هرگز.

در سال‌های پس از انقلاب زندگی اجتماع و مرگ زدگی در شعر او بازتاب یافت:

اینجا در این دیار
 دیگر گل از برای عروسی نمی‌خرند
 آلا برای ماتم،
 آلا برای مرگ
 از بس که گل به خاک فرو ریخته است و مرد.
 یا
 مردگان گر باز می‌گشتند
 زندگی را عبث می‌یافتند اینجا
 زندگانی را سگی، سیرگین
 آنچه بر ما می‌رود هر لحظه در هر روز.

یاد منصور اوجی گرامی باد.

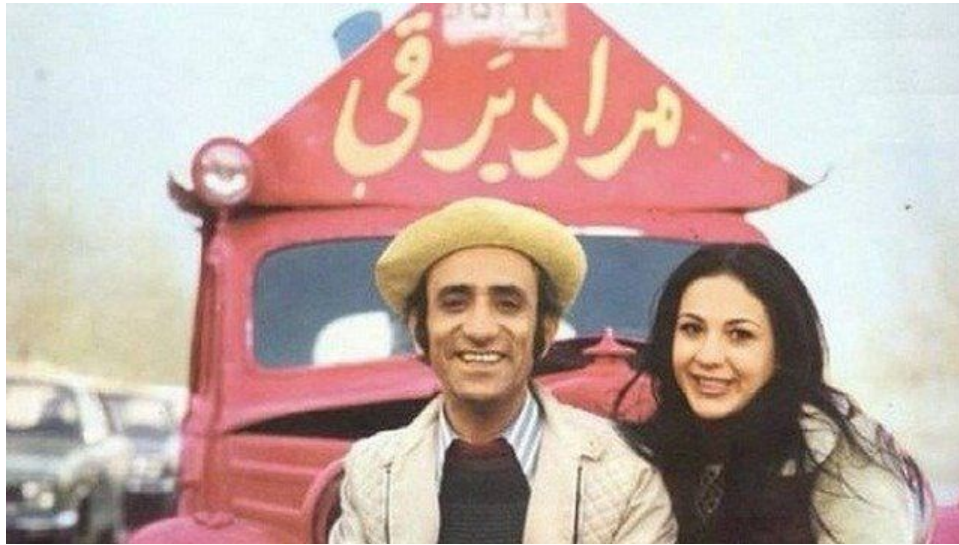


به نکوداشت یاد پرویز کاردان کارگردان و بازیگر خلاق و نوجوی سینمای ایران

او حق بزرگی به گردن همه ما دارد: حق خنده!

شب های پخش سریال های او کوچه ها و خیابان های شهر خلوت می شد. چشم ها به صفحه سیاه و سفید و پرپرزن تلویزیون خانه ها در انتظار لبخند و خنده ای دوخته می شد. با قد بلند و باریک، صدای پر احساس و لکنتی که به دل می نشست، او هفته ای یک شب، مراد برقی می - شد و هفته ای یک روز در سریال "سرکار استوار" با میلیون ها بیننده ارتباط می گرفت. این کارگردان و بازیگر و تهیه کننده خلاق و نوجو که کمدی ایرانی را با کارهایش ارتقا داد، دیگر در میان نیست. او حق بزرگی به گردن همه ما دارد: حق خنده!

پرویز کاردان، یکی از قدیمی ترین کارگردانان و بازیگران تلویزیون ملی ایران روز پنجشنبه بیستم خرداد ۱۴۰۰ در اثر ایست قلبی در هشتاد و چهار سالگی در لس آنجلس درگذشت. پرویز کاردان فعالیت در تلویزیون ایران را به عنوان کارگردان و بازیگر نمایش های شبکه سه در سال ۱۳۳۸ آغاز نمود. اولین کارش «سرکار استوار» از سریال های طنز قدیمی و طولانی تلویزیون ملی ایران بود که بسیاری از بخش های این سریال را خود نوشته و کارگردانی نموده بود، سال ها هفته ای یکبار مردم را در پای تلویزیون می نشاند و پخش تکراری آن در برنامه های نیمروز تابستانی نیز طرفداران فراوانی داشت. نقش سرکار استوار را عبدالعلی همایون بازی می کرد. مأمور ژاندارمری روستایی در جای نامعلومی در ایران که با نقشه های هوشیارانه ای که طرح می کرد و نام آن را «پولتیک سرکار استواری» می نامید، خلافکاران را در دام می انداخت.



تیپ‌های ماندگاری در این سریال تلویزیونی خلق شد که بعدها هر یک برای خود سوژه سریال‌ها و حتی فیلم‌های سینمایی بسیار شدند. معروف‌ترین این تیپ‌ها، صمد با بازی پرویز صیاد و کرمعلی‌خان و مراد برقی با بازی خودش بودند.

بعد از آن کاردان سریال خانه‌به‌دوش را بر مبنای یکی از کاراکترهای سریال سرکار استوار، یعنی «مراد برقی» می‌سازد که در آن سال‌ها میان مردم به شدت گل می‌کند.





شب‌هایی که این سریال از تلویزیون پخش می‌شد، خیابان‌های تهران کاملاً خلوت می‌شد. کاردان برای اولین بار از ستار که آن‌زمان جوانی بدون سابقه بود برای خواندن شعر موسیقی این سریال استفاده می‌کند و بدین ترتیب است او به عالم هنر معرفی می‌شود. سریال «اختاپوس» اولین کار مشترک پرویز صیاد و پرویز کاردان کار بعدی او بود. تپیی که برای اولین بار در این سریال معرفی شد و بعدها به شدت گل کرد، قاطبه با نقش آفرینی زیبای زنده یاد نوذر آزادی بود. زنده یاد پرویز کاردان فعالیت سینمایی‌اش با فیلم «عمو یادگار» به عنوان بازیگر و کارگردان در سال ۱۳۵۰ آغاز می‌کند. فیلم «مراد برقی و هفت دختر» براساس سریال «خانه بدوش» را در سال ۱۳۵۳ می‌سازد. پس از انقلاب و مهاجرت به لس‌آنجلس فعالیت سینمایی او به‌ناچار متوقف می‌شود ولی کماکان در عرصه تئاتر به فعالیت خود ادامه می‌دهد و دو سریال تلویزیونی را نیز برای شبکه‌های پارس و تلویزیون ملی ایران می‌سازد. **آرمان فقدان این هنرمند خلاق و مردمی را به خاندان او و همه هم‌میهنان تسلیت می‌گوید.**